

راهکارهای درمان خشونت خانگی از منظر آیات و روایات

چکیده:

خشونت خانگی، یکی از مسائل اجتماعی و خانوادگی به شمار می آید که تا به امروز دیدگاه ها و نظرات مختلفی در حل آن بیان شده است خشونت خانگی در میان دیگر بحران ها از اهمیت بیشتری برخوردار است و خاستگاه بسیاری از دیگر بحران ها قرار می گیرد. خشونت یکی از مصادیق آسیب های اجتماعی است که از دیدگاه اسلام مورد توجه قرار گرفته و به شدت از آن نهی شده است. هدف از این تحقیق شناخت خشونت و راهکار های پیشگیری از آن در آموزه های قرآنی و با بهره گیری از آراء و نظریات پیشوایان دین است پس از مفهوم شناسی خشونت و تبیین اقسام آن، در آیات و روایات بررسی شده است با بیان راهکار های پیش گیری از خشونت از منظر آیات قرآن در جهت اجتناب از هر گونه اعمال خشونت و استفاده از شیوه های مهرورزی و محبت و پیامدهای آن ارائه شده است.

کلیدواژه ها:

راهکار - درمان - خشونت - خانگی - آیات - روایات

مقدمه :

خانواده نخستین و پایدارترین نهاد اجتماعی است که هویت انسانی و جامعه پذیری فرد در آن شکل می گیرد و پذیرش ارزش ها و هنجار های اجتماعی انتقال الگوهای روابط و تعامل به سایر نهاد اجتماعی را سبب شده است. نهاد خانواده هنگامی کارکرد خود را به درستی انجام می دهد که دچار نابسامانی و آشفتگی نباشد. خشونت خانگی به معنی رفتار خشونت آمیز و سلطه گرانه ی یک عضو خانواده علیه عضو یا اعضای دیگر همان خانواده است بر اساس مطالعات جامعه شناسی هدف اصلی خشونت خانگی کودکان خردسال هستند.

دومین نوع خشونت معمول در خانواده خشونت علیه زنان است. مردان نیز قربانی خشونت خانگی از سوی همسران خود می شوند. در واقع خشونت به عنوان مشکلی شایع و عمده تهدید کننده ی سلامت قربانیان و یک اپیدمی پنهان ادامه دار در حوزه سلامت روان شناخته شده می شود که علاوه بر مشکلات جسمانی می تواند در دیگر جنبه های سلامت منجر به مشکلات متعددی در سلامت فرد همچون سندروم درد مزمن، افسردگی، و از سوی دیگر موجب مصرف مواد مخدر، بیماری های مقاربتی و انجام مشکلات خانوادگی و اجتماعی شود.

فرهنگ اسلامی و آموزه های نورانی آن در برخورد با پدیده هایی همچون خشونت خانگی بر پیشگیری و بازدارندگی تاکید می ورزند و راهکارهایی ارائه می دهند لذا هدف از این تحقیق بررسی راهکارهای درمان از نظر آیات و روایات است .

الف) معنی لغوی خشونت

خشونت از ماده "خشن" به معنای تندی در برابر نرمی و نیز به معنای زبری در برابر صافی و همواری است. صفت خشن گاهی برای توصیف اشخاص استفاده می شود و در اینصورت به معنای شدید و نیرومند است. فرهنگ فارسی معین درمقابل واژه خشونت اینچنین نوشته است: درشتی، زبری، همواری، مقابل نرمی تندخویی، درشتخویی و... .

خشونت، انزجار و خلاف فطرت است و لذا برخی خشونت را خلاف نرم معنی کرده‌اند و معتقدند خشونت دارای معنایی فلسفی است و در مقابل کلمه طبیعت قرار دارد و لذا خشونت، امری است که ضد مجری و مسیر طبیعی باشد و در آن عنصری از غضب و خشم نهفته است.^۱

ب) تعریف اصطلاحی خشونت

خشونت مفهومی گسترده دارد و تعاریف اصطلاحی آن نیز متعدد است و از ابعاد مختلف میتوان، تعاریف متعددی از آن به دست داد. فلذا در تعریف آن مناقشه و مجادله وجود دارد و ارائه تعریفی دقیق از آن مشکل است و مهمترین دلیل هم شاید کاربردهای لغوی، ادبی، اجتماعی و حقوقی گوناگون آن است. گاه خشونت به تندخویی و منش و کنش سختگیرانها اطلاق می‌شود.

در محاورات اجتماعی، گاه به معنای برخورد فیزیکی بکار می‌رود. خشونت، گاه به معنای قاطعیت و عدم چشم پوشی از خلاف و خطای متهمان و مجرمان به کار می‌رود. بدین مفهوم، خشونت در حوزه حقوق و قانون گذاری و اعمال قانون، بکار می‌رود. کاربرد دیگر واژه خشونت، معادل با نابردباری مذهبی و عدم مماشات با رقبای سیاسی است.

این معنا معطوف به رفتار و روابط اجتماعی و سیاسی است و روانشناسان اجتماعی و پژوهشگران مسائل سیاسی و اجتماعی، تعاریف دیگری از واژه خشونت را تعریف کرده‌اند که پاره ای از آنها عبارتند از: پرخاشگری، تحمیل اراده خود به دیگران، پیشبرد هدف و قصد با توسل به زور، گفتار و رفتار آزاردهنده، حرکت قهرآمیز ناشی از اراده خاص خارج از محدوده و قوانین و قواعد و نیز اعمال نیروی جسمانی یا بدنی برای این که به شخص دیگری آزار و آسیب برسانیم یا مجروحش کنیم یا او را بکشیم یا در جهت هدفی که می‌خواهیم بکار گیریم.

اگر بخواهیم تنها مفهوم فیزیکی یا طبیعی خشونت را در نظر داشته باشیم، آن را می‌توان نوعی قدرت یا زور تعریف کرد که با تحمیل خود به سایر پدیده‌ها اعم از انسانی یا غیر انسانی، حدود و قدرت آن پدیده‌ها را مشخص می‌کند. از سوی دیگر، خشونت را میتوان به صورت یک کنش، یعنی نیرویی در جهت محدود کردن میل، اراده و آزادی و از سوی دیگر به صورت یک واکنش، یعنی نیرویی برای ایجاد و بازگرداندن آن آزادی و میل به هدف در اراده و میل در نظر گرفت.

در مفهوم اجتماعی، خشونت را می‌توان به وارد آوردن نوعی فشار و زور فیزیکی از سوی یک نهاد، فرد یا گروه، به نهاد، فرد یا گروهی دانست که با هدف وادارکردن آن‌ها به انجام کاری برخلاف میل و اراده شان انجام بگیرد. از این رو خشونت در برابر میل، اراده و آزادی قرارداد. زمانی که موضوع خشونت، دستیابی به قدرت، اعتراض و نابودکردن آن یا حفظ و تداوم قدرت باشد. خشونت، سیاسی می‌شود.

بطور کلی در خشونت، عنصر بکارگیری نوعی فشار و زور فیزیکی وجود دارد و می‌توان در حالت کلی خشونت را چنین تعریف کرد: کاربرد نیروی فیزیکی و تهدید ناشی از کاربرد نیروی فیزیکی که می‌تواند لطمه‌های جسمی یا معنوی بر شخص یا اشخاص بگذارد. با اینکه در این تعریف، بر خشونت فیزیکی تکیه شده ولی مشهود است که امروزه برخی خشونت‌ها بدون اعمال فیزیکی عینی صورت می‌گیرد؛ مانند خشونت‌های کلامی و تحریم‌های اقتصادی یا خشونت‌های رسانه‌ای. به ضرورت تحقیق، هر جایی لازم باشد، این خشونت‌ها نیز مدنظر قرار خواهند گرفت.

از سوی دیگر باید دانست که اقدامات قانونی و غیرقانونی که دارای این خصوصیات باشند، از آن جهت که اقدام علیه افراد بوده و در آنان ایجاد ترس می‌نمایند، می‌توانند از مصادیق خشونت باشند. «خشونت» در لغت دارای معانی متعددی است. خشونت کردن به معنی درشتی، تندی کردن، ضدّ «لینت» و نرمی، خشم، غضب و... که از خفیف‌ترین مصادیق «خشونت» به معنی رایج امروزی است.

خشونت را در اصطلاح بعدی اینگونه می‌توان تعریف کرد که عبارت است از اقدام علیه جسم و جان، شرف، مال و حقوق افراد، به طوری که ایجاد ترس نماید. و اقدام، شامل اقدام فیزیکی؛ مانند ضرب و جرح و قتل و همچنین اقدام معنوی که شامل توهین و تهدید می‌شود. همچنین «خشونت» در لغت‌های بعدی دارای معانی متعددی است. از این رو کتب لغت می‌گویند: «خشونت» کردن به معنی درشتی، تندی کردن، ضدّ «لینت» و نرمی، خشم، غضب و... که از خفیف‌ترین مصادیق «خشونت» به معنی رایج امروزی است.^۱

انواع خشونت خانوادگی:

افزایش خشونت در خانواده ها موجب آن شده است تا تغییراتی در انواع و انحاء آن بوجود آید، با مطالعه و بررسی شیوه‌های عمده خشونت، صاحب نظران انواع اصلی و کلی خشونت را بدین شرح نام نهاده‌اند: خشونت نمادین یا سمبولیک، خشونت جسمی یا فیزیکی، خشونت روانی یا ناشی از احساسات خشونت جنسی، خشونت اقتصادی، خشونت حقوقی یا برخاسته از قوانین وضعی، خشونت فرهنگی و اجتماعی که عمده ترین نوع خشونت و یا به عبارتی خشونت ساختاری است.

اینک در زیر به تفصیل و شرح هر کدام از انواع خشونت خانوادگی پرداخته می‌شود:

۱- خشونت نمادین یا سمبولیک :

خشونت نمادین به خشونتی گفته می‌شود که از سوی کسی یا مقامی که براساس ساختارهای فرهنگی جامعه در مرتبه بالاتری از هم‌گروه خود مثل خانواده قرار دارد بر زیر دستانش اعمال می‌گردد و زیر دستانش به طور ناآگاهانه آن را می‌پذیرند آنان گمان می‌کنند که این برتری، اصولی و بر حق است و نباید در برابر آن هیچ اعتراضی داشته باشند و نمی‌دانند که این خشونتی است که بر آنان اعمال می‌شود و حق دارند در مقابل آن بایستند یا قبولش نکنند .

۲- خشونت جسمانی فیزیکی:

خشونت فیزیکی عملی را گویند که مجری آن عمدا با اعمال زور باعث صدمه‌ی جسمانی قربانی گردد. این عمل باعث زخمی شدن فیزیکی و روحی و در برخی از حالات باعث مرگ قربانی می‌گردد، خشونت جسمانی می‌تواند خفیف و یا شدید باشد. آثار و علائم آن ظاهر و یا هم به علت خفیف بودن ناچیز و یا غیرقابل دید باشد. این عمل در برخی حالات (پاکوبیدن توسط دست و پا لگدزدن) در برخی حالات با وسایل آسیب زننده چون شلاق، چوب، سنگ،... صورت می‌گیرد در برخی از حالات مجریان خشونت از سلاح های خفیف و سرد و گاه سلاح گرم برای صدمه رسانیدن، قربانی خویش استفاده می‌کنند که اکثرا باعث زخم‌های شدید و مرگ‌ها می‌گردد. بنابراین هرگونه حمله فیزیکی، قصد آزار رساندن فرد دیگر خشونت جسمانی تلقی می‌گردد این نوع خشونت در جامعه ما بسیار معمولی است زیرا افراد این جامعه چه در خانه و چه در اجتماع به زودی به پرخاشگری روی می‌آورند . در بعضی از جوامع مردان به سادگی اقدام و توسل به خشونت جسمانی نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند از راه های دیگری زن یا طرف خشونت را در زیر

بروز اختلاف و خشونت در خانواده بسیاری از موارد پیامد ناآگاهی از شیوه برقراری روابط مطلوب بین زن و شوهر و کوتاهی در تامین نیازها و انتظارات طرف مقابل است. اکنون به پنج اصل مهم در روابط زن و شوهر می پردازیم .

اصل اول :

توجه به تفاوت‌های روانی زن و مرد : پذیرش تفاوت‌ها را موجب می شود .

زن و مرد به طور متقابل، شخصیت یکدیگر را در زندگی بپذیرند آموزه های اسلام بر همین اساس، تمایز نقش ها را در خانواده تایید می کند .

دومین اصل :

اصل معروف در روابط خانوادگی است واژه معروف بیش از بیست بار در قرآن برای جنبه های مختلف روابط خانوادگی از جمله زن و شوهر به کار رفته ست . در کلمات اولیای دین نیز معروف در معانی گوناگونی همچون احسان، حسن مصاحبت با خانواده و مردم و به طور کلی، هر عمل نیکو و امری موافق دستورهای الهی به کار رفته است بی تردید رفتار زن و شوهر بر پایه معروف بسیاری از زمینه های اختلاف در خانواده را بر می چیند و کمتر دلیلی برای بروز خشونت خانگی در کار خواهد بود .

اصل سوم :

اصل عدالت در مناسبات خانوادگی : اگر زوجی به ویژه مرد عدالت را رعایت کند از هر گونه ظلم از جمله خشونت جلوگیری می کند .

چهارمین اصل

اصل مدارا : خوش رفتاری و برخورد مناسب با همسر به حدی توسط حضرت جبرئیل (علیه السلام) به پیامبر سفارش شد که ایشان فرمود : گمان کردم طلاق دادن زن سزاوار نیست مگر اینکه او به گناه جنسی بزرگ و آشکاری دست زده باشد . به زنان نیز درباره رفتار مناسب با شوهر سفارش های فراوانی شده است .

شوهر داری نیکو در ردیف سخت ترین تکالیف دینی یعنی جهاد در راه خدا عنوان شده است .

آخرین اصل : اصل همکاری در خانواده، مسائل خانه و پرورش فرزند همکاری زن و شوهر را می طلبد اگر زن و شوهر در خانه بر پایه ملاک های دینی، انگیزه ها و رفتار خود را جهت دهند برای تلاش در خانه ارزش معنوی والایی قائل خواهند شد این امر انگیزه های آنان را تقویت خواهد کرد و در محیط خانه به جای رقابت و شانه خالی از وظایف صمیمیت و یاری همدیگر را حکم فرما خواهد ساخت .

۴. آموزش مقابله با استرس در زندگی :

یکی از علل مهم خشونت خانگی تنیدگی هایی است که در خانواده و در بیرون از خانه بر افراد خانه وارد می شود مشکلات شغلی، درآمد کم، رسیدگی به فرزندان، مسائل تحصیلی، اعضای خانواده را دچار تنیدگی می کند .

مقابله مناسب با اینها به آرامش خانواده و تقویت روابط عاطفی و همکاری بیشتر آنها در خانه کمک می کند.

ایمان به خدا و توکل به او، شناخت ضعف ها و محدودیت های خود، مثبت نگری در زندگی تنظیم عواطف، دعا و مناجات با خدا، توسل به اولیای دین، ورزش، برنامه غذایی سالم، از جمله روش های مقابله با تنیدگی است . در مجموع هر چه مقابل با تنیدگی ها موثرتر باشد، در خانواده کمتر خواهد شد و زمینه های بروز خشونت و اختلاف کاهش خواهد یافت.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. میری، داوود، محمد، بادغیسی، سمیه، صالحی، کاوه، علی احمد، ناشر شبکه جامعه مدنی و حقوقی بشر
۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ شمسی، چاپ دوم، ج ۱۱، ص ۵۹۵
۴. رضوانی، علی اصغر، اسلام شناسی و پاسخ به شبهات، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶ شمسی، چاپ سوم
۵. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، فرهنگ قرآن، ج ۱۲، ص ۲۵۶، برگرفته از مقاله اجتناب از خشونت
۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۰ ش، ج ۲۷، ص ۱۰۶
۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۰ ش، ج ۳، ص ۱۸۳
۸. طباطبایی، محمد حسین، المیزان تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۸ ش، چاپ ۱۱، ج ۱۴، ص ۲۱۷
۹. سالاری فر، محمدرضا، خشونت خانگی علیه زنان، نشرهاجر، چاپ ۱، سال ۸۹
۱۰. حر عاملی، محمد حسین، وسائل الشیعه، جلد ۲۰، صفحه ۱۷۰، ناشر الاسلامیه، سال ۱۳۸۷، چاپ نهم
۱۱. حر عاملی، محمد حسین، وسائل الشیعه، جلد ۲۰، صفحه ۲۹، ناشر الاسلامیه، سال ۱۳۸۷، چاپ نهم، نساء، آیه ی ۳۴
۱۲. کافی، جلد ۲، صفحه ۱۲۱، مستدرک الوسائل، جلد ۱۱، صفحه ۲۹۵
۱۳. کافی، جلد ۲، صفحه ۱۲۱، مستدرک الوسائل، جلد ۱۱، صفحه ۲۹۵
۱۴. کافی، جلد ۲، صفحه ۱۲۱، مستدرک الوسائل، جلد ۱۱، صفحه ۲۹۵
۱۵. حر عاملی، محمد حسین، وسائل الشیعه، جلد ۲۵، صفحه ۲۴۹، ناشر الاسلامیه، سال ۱۳۸۷، چاپ نهم
۱۶. محمدرضا سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، صفحه ۱۸۴ الی ۱۹۴
۱۷. نورمحمدی، غلامرضا، نفی خشونت علیه زنان از دیدگاه علم ودین، ناشر مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، تابستان ۸۹
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، موسوی، سید حبیب الله، مکارم الاخلاق، ص ۲۱۵، ناشر، حبیب، چاپ دوم، سال ۱۳۸۶، صفحه ۲۰۴
۱۹. حر عاملی، محمد حسین، وسائل الشیعه، جلد ۴، ص ۵۴، ناشر الاسلامیه، سال ۱۳۷۸، چاپ نهم

۲۰. حر علمی ، محمد حسین ، وسائل الشیعه ، جلد ۱۳ ، صفحه ۲۹ ، ناشر الاسلامیه ، سال ۱۳۷۸ ، چاپ نهم
۲۱. نوری طبرسی ، میرزا حسین ، مستدرک الوسائل ، ج ۹ ، ص ۹۹ ، ناشر آل البیت (ع) ، سال ۱۳۶۹
۲۲. حقی ، اسماعیل بن مصطفی ، دارالفکر ، بیروت لبنان ، روح البیان ، ج ۸ ، ص ۲۶۵
۲۳. کلینی ، محمد بن یعقوب ، ناشر موسسه الوفا ، چاپ یکم ، سال ۱۳۸۲ ، کافی ، ج ۲ ، ص ۱۱۲ ، ج ۳
۲۴. موسوی خراسانی ، سیدحسن ، ابن بابویه ، محمد بن علی ، من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۳۹۲ ، ج ۵۸۳۷ ، ناشر دارالکتاب اسلامیه ، چاپ هفتم ، سال ۱۳۸۷
۲۵. تیممی آمدی ، عبدالواحد بن محمد ، غرر الحکم ، ح ۴۹۸۴ ، ناشر موسسه فرهنگی دار الحدیث ، چاپ هشتم ، سال ۱۳۹۵
۲۶. موسوی خراسانی ، سیدحسن ، ابن بابویه ، محمد بن علی ، من لا یحضره الفقیه ، ناشر دارالکتاب اسلامیه ، چاپ هفتم ، سال ۱۳۸۷ ، ج ۳ ، ص ۳۸۹ ، ج ۴۳۶۹
۲۷. احمدنیا ، شیرین ، پیشگیری از خشونت خانگی ، انتشارات مکتب امام هادی (ع) ، بهار ۹۲
۲۸. محمد باقر مجلسی ، بحار الانوار ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۱۵ ق ، تعداد جلد ۱۱۰ ج ۷۰ ، ص ۲۷۲
۲۹. پاینده ، ابوالقاسم ، دنیای دانش ، تهران - ایران ، ۱۳۸۲ ش ، چاپ ۴ ، تعداد جلد ۱ ، نهج الفصاحه ، ج ۲۲۵
۳۰. ابن عباس ، عبدالله بن عباس ، سیوطی ، عبدالرحمن ابی بکر ، الدر المنثور ، مکتبه الرعشی النجفی (ره) ، قم ، ۱۴۰۴ ق ، چاپ ۱ ، جلد ۶ ، ج ۳ ، ص ۱۲۵
۳۱. حر عاملی ، محمد حسین ، وسائل الشیعه ، ناشر آل بیت ، سال نشر ۱۴۱۴ ق ، ج ۲۰ ، ص ۲۱۴
۳۲. ابراهیمی پور ، قاسم ، شاخص های خانواده ی مطلوب از دیدگاه اسلام ، انتشارات موسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ، سال نشر ۱۳۹۶
۳۳. طباطبایی ، محمد حسین ، المیزان تفسیر القران ، ترجمه موسوی همدانی ، ج ۱۴ ، ص ۲۱۷
۳۴. مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ، ج ۳ ، ص ۱۸۳ ، نشر طهران ، دارالکتب الاسلامیه ، سال ۱۳۵۳
۳۵. مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ، ج ۲۷ ، ص ۱۰۶ ، نشر طهران ، دارالکتب الاسلامیه ، سال ۱۳۵۳
۳۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن ، فرهنگ قرآن ، ج ۱۲ ، ص ۲۵۶ ، برگرفته از مقاله اجتناب از خشونت
۳۷. محمد باقر مجلسی ، بحار الانوار ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۱۵ ق ، ج ۷۲ ، ص ۵۴
۳۸. محمد باقر مجلسی ، بحار الانوار ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۱۵ ق ، ج ۷۲ ، ص ۵۲
۳۹. نوری ، حسین ، مستدرک الوسائل ، ناشر آل بیت ، ۲۹ جلد ، ج ۹ ، ص ۹۹
۴۰. مجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۱۵ ق ، تعداد جلد ۱۱۰ ، ج ۷۲ ، ص ۱۵
۴۱. مجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۱۵ ق ، تعداد جلد ۱۱۰ ، ج ۷۵ ، ص ۱۴۲
۴۲. حسین نوری ، مستدرک الوسائل ، ناشر آل بیت ، ۲۹ جلد ، ج ۹ ، ص ۱۰۰
۴۳. حر عاملی ، محمد حسین ، وسائل الشیعه ، ناشر الاسلامیه ، سال نشر ۱۴۱۴ ق ، ج ۱۶ ، ص ۱۴۶
۴۴. حر عاملی ، محمد حسین ، وسائل الشیعه ، ناشر الاسلامیه ، سال نشر ۱۴۱۴ ق ، ج ۱۶ ، ص ۱۴۷
۴۵. ابراهیمی ، منصور ، شیخ علی کبیر ، علی بن محمد ، الدر المنثور ، ج ۳ ، ص ۱۲۵ ، ناشر پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی ، چاپ یکم ، سال ۱۳۹۱
۴۶. مظاهری ، علی اکبر ، نهج الفصاحه ، ح ۲۲۵ ، ناشر کتاب قدسیان ، چاپ چهارم ، سال ۱۳۹۳

۴۷. حقی، اسماعیل بن مصطفی، روح البیان، ج ۸، ص ۲۶۵، ناشر دارالفکر، چاپ یکم، سال ۱۳۵۵ ق